



## علامه جعفری خودش را در چهارچوب خاصی محصور نکرد/ نظر علامه درباره اسلامی سازی علوم چه بود؟

حجت‌الاسلام والمسلمین قادر فاضلی گفت: علامه جعفری در عین حال که نهج‌البلاغه‌پژوه و مثنوی‌پژوه است، شخصیتی است...

حجت‌الاسلام والمسلمین قادر فاضلی گفت: علامه جعفری در عین حال که نهج‌البلاغه‌پژوه و مثنوی‌پژوه است، شخصیتی است که از آثار دانشمندان غربی و شاعران بزرگ مسیحی هم در آثارش استفاده کرده و این نشان می‌دهد که افق باز و بینش بازی دارد که خود را در چارچوبی که در آن زندگی می‌کند محصور نکرد.

علامه جعفری خودش را در چهارچوب خاصی محصور نکرد/ نظر علامه درباره اسلامی سازی علوم چه بود؟

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، علامه محمدتقی جعفری از زمره آزاداندیشانی است که به علت تسلط عجیبش، از فلاسفه نامی در عرصه جهانی است و در اثبات شهرتش همین بس که امام خمینی(ره) او را ملقب به «ابن سینای زمان» می‌کند. کارنامه فکری علامه جعفری، کارنامه پرمحصول مردی است که وجودش وقف دین و دانش بود. تلاش کرد حیات برای انسان تصویری منطقی تر بیابد و در وادی حیات معقول گام بگذارد.

علامه با بیش از 140 دانشمند بزرگ دنیا مباحثه داشت که مکاتباتش با «برتراند راسل»، یکی از فلاسفه غرب، شهرت بیشتری یافت که او علامه را «فیلسوف شرق» نامیده بود. در میان 100 اثر علمی به جا مانده از علامه جعفری، 27 جلد کتاب آن درباره «تفسیری تفصیلی بر نهج‌البلاغه» است که نشان از اهتمام و علاقه جدی ایشان به امام علی(ع) و نهج‌البلاغه دارد. بسیاری این تفسیر را یکی از گنجینه‌های بزرگ جهان علم و دانش و معنویت به شمار می‌آورند و بسیاری جلسات سخنرانی و شرح نهج‌البلاغه او را به یاد دارند.

آبان سال 1387 همزمان با اولین سالگرد درگذشت علامه، خانواده اش با همکاری شهرداری منطقه 5 بخشی از منزل استاد و پارکینگ خانه را تبدیل به کتابخانه عمومی کردند. منزل پ. ZWJ& سریش و کتابخانه شخصی علامه که هر دو در طبقه دوم قرار گرفته اند نیز به مؤسسه تدوین و نشر آثارش تبدیل شده است. کتابخانه شخصی علامه بیش از 13 هزار جلد کتاب دارد که در طول سال‌های بعد از درگذشتش هیچ تغییری در بافت و چیدمانش صورت نگرفته است. به مناسبت 25 آبان سالروز رحلت علامه محمدتقی جعفری با حجت‌الاسلام والمسلمین قادر فاضلی، از شاگردان علامه جعفری و از پژوهشگران و محققان حوزه‌ی که تاکنون بیش از 80 جلد کتاب را به رشته تحریر در آورده در رابطه با آراء و اندیشه‌های علامه جعفری به گفت‌وگو پرداخته ایم. فرهنگ‌های موضوعی شامل «آثار مولوی»، «نظامی گنجی‌ای»، «آثار عطار نیشابوری»، «دیوان امام خمینی، اقبال لاهوری، گلشن راز وhellip» و بررسی موضوعات عرفانی، قرآنی، نهج‌البلاغه، سیاست و اسلام‌شناسی در ابعاد مختلف از مهم‌ترین تألیفات حجت‌الاسلام والمسلمین قادر فاضلی است.

علامه محمدتقی جعفری در میان اندیشمندان و علمای معاصر از ویژگی‌هایی برخوردار است که شاید نتوان آنها را در فرد دیگری سراغ گرفت. به نظر شما برای شناخت واقعی استاد جعفری چه کار باید کرد؟

شناخت هر شخصیتی راه‌های مختلفی دارد، یکی از راه‌های شناخت شخصیت‌های برجسته از جمله علامه محمدتقی جعفری، زندگی با ایشان است که برای همگان امکانپذیر نیست، اما برای افرادی که در کلاس‌های ایشان شرکت کردند و از نزدیک با ایشان مانوس بودند، روشی مناسب برای شناخت ایشان است که حاصل شده و من هم توفیق داشتم که 10 سال از محضر ایشان بهره‌مند شوم و راه دیگر شناخت، سیر در آثار مکتوب و صوتی ایشان است. افرادی که می‌خواهند ایشان را بشناسند باید آثار ایشان را مطالعه کنند تا با ابعاد شخصیتی علامه آشنا شوند. هرچند آثار علمی نمی‌تواند بیانگر همه ابعاد شخصیتی فرد باشد، بلکه بیانگر توانایی‌های علمی آن شخص است و بسیاری از خصوصیات انسان نه قابل بیان است و نه روی کاغذ می‌آید و نه اگر روی کاغذ بیاید خواننده می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند.

لازمه شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی دانشمندان و افراد برجسته، الفت و حضور در کلاس‌ها و رفت و آمدهای خانوادگی است و راه دیگر توجه به جایگاه شاگردان این شخصیت‌ها است که ببینیم آنها چه شاگردانی تربیت کرده‌اند، چون شاگردان، محصول عمر عالمان هستند و هرچه عالم یا دانشمندی، شاگردان با فضیلت تری تربیت کرده باشد، بیانگر این است که آن شخص از فضایل برجسته تری برخوردار بوده است. خیلی از بزرگان اگر شاگردانشان نبودند آنها شناخته نمی‌شدند، البته علامه جعفری منهای این ماجرا شناخته شده بود و شهرت جهانی داشت، مثلاً علامه طباطبایی طی 15 سالی که در شهر تبریز بوده اند و به تحقیق و بررسی‌های علمی و دینی می‌پرداختند، خیلی مطرح نبودند و وقتی به قم تشریف آوردند و بزرگانی چون حسن زاده آملی، شهید مطهری در کلاس‌های ایشان شرکت کردند، معلوم شد که چه عظمتی دارند و این یکی از راه‌هایی است که می‌شود شخصیت‌های بزرگ را شناخت.

چطور می شود فهمید که علامه جعفری اندیشمندی چند وجهی است؟ واقعاً علامه جعفری بدنیاال چیست؟ وقتی از نهج البلاغه، از مسائل دین و مسائل اجتماعی یا از حوزه های مختلف علمی سخن به میان می آورند؟ این هم یکی از ابعاد ویژه مرحوم جعفری است؛ یعنی بر خلاف سیر شایع حوزه های علمیه آن زمان نجف و قم که بیشتر طلبه ها و فضلا یک بعدی و دو بعدی بودند و بر فقه و اصول متمرکز می شدند که بدلیل فرهنگ حاکم بر آن زمان بود، ولی علامه جعفری محصور در این فضای حاکم نشد؛ یعنی اگر می خواست همان سیره حاکم بر حوزه های آن زمان مخصوصاً نجف را در پیش بگیرد باید به فراگیری فقه و اصول و ادبیات عرب می پرداخت، اما می بینیم که در آثار مرحوم جعفری از علوم اسلامی گوناگونی مانند فقه، فلسفه، کلام، تفسیر قرآن و نهج البلاغه سخن به میان می آید و علاوه بر این ها به ادبیات منظوم و منثور فرهنگ ایران اسلامی پرداخته است.

علامه جعفری، زمانی شارح مثنوی می شود، مثنوی که در واقع تبلور ذوق و شوق و معنویت ایرانی اسلامی است و این در زمانی اتفاق افتاد که خیلی ها مثنوی خواندن را حرام می دانستند، حال اینکه فردی بیاید در این زمان، مثنوی بخواند و تدریس کند که هیچ بلکه سال های متمادی تفسیر برای مثنوی بنویسد، نشان از یک فهم و برداشت شخصی است و قطعاً این دانشمند ضرورتی احساس می کند که شخصیتی مثل مولوی را به جهان اسلام معرفی کند آن هم شخصیتی که هر فرقه ای او را به سمت خودش می کشید. وقتی یک آیت الهی ابعاد مختلف این شخصیت را در 14 جلد مطرح می کند حتماً باید از بینش قوی برخوردار باشد.

حتی نهج البلاغه نیز در آن زمان خیلی مظلوم بود، اینکه فردی سالیان سال تفسیر نهج البلاغه بنویسد آن هم نه آن گونه که فقط لغات را ترجمه کند. علامه جعفری در بعضی از مجلدات مثنوی و نهج البلاغه از دانشمندان بسیار مطرح دنیا مطالبی را آورده و همگونی و همسانیشان را با تعالیم اسلام مطرح کرده و درواقع کاری کرده که این دو کتاب را از مظلومیت نجات داده و لازمه اش فهم وسیع است که شخصی به این ضرورت برسد و این اقدام را انجام دهد.

علامه جعفری در عین حال که نهج البلاغه پژوه و مثنوی پژوه است، شخصیتی است که از آثار دانشمندان غربی و شاعران بزرگ مسیحی هم در آثارش استفاده کرده و این نشان می دهد که افق باز و بینش بازی دارد که خود را در چارچوبی که در آن زندگی می کند محصور نکرده و الان از برکت آزاداندیشی و روشنفکری ایشان بهره مند هستیم.

علامه جعفری چه نگاهی به مسائل و معضلات امروز بشر داشتند و چه راه حل هایی را برای برون رفتن از آن پیشنهاد می کردند؟ آیا علامه وارد مباحث رفاه و توسعه انسانی که یکی از معضلات بشر امروز است شده اند؟ در سؤال و جواب هایی که با علامه محمدتقی جعفری انجام شده می توان به پاسخ این سؤال دست یافت. روزی از ایشان درباره احتکار و رشوه سؤال کردم، زیرا موضوعی بود که آن زمان زیاد مطرح بود و افرادی که به این جرم دستگیر می کردند، چند ضربه شلاق می زدند و رها می کردند و اگر جرمشان خیلی حاد بود، چند انگشتشان را هم قطع می کردند. در یکی از جلسات که در خدمت علامه بودم این موضوع را مطرح کردم و به ایشان گفتم، وقتی یکی اسلحه دست می گیرد و فردی را می کشد، او را به عنوان تروریست دستگیر و اعدام می کنند، حال اینکه او یک نفر را کشته، ولی فردی در یک قدرت قرار می گیرد و آذوقه میلیون ها نفر را احتکار کرده و گرانفروشی می کند و چون مردم نمی توانند از طریق درست به موارد مورد نیازشان دسترسی پیدا کنند به خلاف کشیده می شوند و اگر بسیاری از خلاف ها را بررسی کنید، می بینید که ریشه در ناعدالتی های اجتماعی دارد که اگر عدالت اقتصادی رعایت می شد، چه بسا این همه انسان بخاطر دزدی و قاچاق بالای دار نمی رفتند.

حال فردی باعث شده که هزاران نفر بیکار شوند. چطور برای مجرم جزیعی، حکم فقهی صادر می شود، اما برای فردی که جرم بیشتری دارد، حکم سنگین صادر نمی کنید؟ ایشان گفتند به نظر من، ما می توانیم آنها را به عنوان تروریست اقتصادی مطرح کنیم و از فقه، حکمشان را بیرون بیاوریم و استدلال فقهی ایشان این بود که می گفتند، مردم برای کسب درآمد از جانشان مایه می گذارند و خیلی ها در این مسیر جانشان را از دست می دهند، کسی که به مال چنین اشخاصی دست درازی می کند، درواقع محصول جان آنها را مورد هدف قرار داده و مانند کسی که قتل می کند جان عده ای را به خطر انداخته، این فرد تروریست اقتصادی است.

گفتن این موارد البته شجاعت علمی و آگاهی می خواهد که کمتر کسی دارد. بنابراین این یک نوآوری است که به عمیق نگری فقهی ایشان برمی گردد که هم فلسفه و هم روانشناسی و هم تفسیر بلد بودند و وقتی مجموعه علوم به کمک هم می آیند

این نوآوری خاص بدست می آید.

اسلامی سازی علوم انسانی یکی از مسائل و دغدغه های اندیشمندان مسلمان خصوصاً ایرانی هاست. علامه جعفری چه دیدگاهی در این باره داشتند؟ آن زمان، مسأله اسلامی سازی علوم خیلی مطرح نبود، بیشتر اسلامی سازی دانشگاه ها مطرح بود و این دو اصطلاح مقداری با هم قاطی شد. راه علوم تغییرپذیر نیست، علوم یا اسلامی هست یا نیست، اگر نباشد باید تغییر هویت دهد و به هویت دیگری تبدیل شود، بنابراین این هایی که شعار اسلامی سازی علوم را سرمی دهند یا متوجه نیستند چه می گویند یا چیز دیگری را بجای اسلامی سازی می خواهند به خورد مردم دهند.

حقیقت فلسفه شناخت حقایق موجود در نظام عالم به قدر طاقت بشر است. این دیگر اسلامی و غیر اسلامی ندارد. اگر اسلام حقیقتی را قبول دارد، پس اسلامی هست، اگر قبول ندارد، ما نمی توانیم بسازیم و اگر چندین آیه هم بیاوریم اسلامی نمی شود.

مرحوم علامه جعفری وقتی به آن دعوت شدند و برگشتند، محصول سفر خود را نوشتند و در یک سخنرانی گفتند، من وقتی وارد شهر آن شدم و مراکز علمی را به من نشان دادند، احساس کردم بخشی از عمرم را در این شهر گذارنده ام در حالیکه ایشان برای اولین بار به این شهر رفتند و این نشان می دهد که ایشان در نجف و تهران که بودند، مدام با فرهنگ و علوم و برآمده از دانشمندان عالم مأنوس بودند و در کنار افلاطون و ارسطو و سقراط زندگی کردند. برخی از آنچه را که آنها گفته اند مورد قبول اسلام نیز هست و حرف هایی که اسلام واقعی گفته را وقتی به آنها می گوئیم، آنها هم قبول می کنند، بنابراین علوم به معنای واقعی کلمه اسلامی هستند و اسلامی سازی نیازی نیست. همان مقدار که قرآن، اسلامی است، بقیه علوم واقعی هم اسلامی هستند و اسلامی کردن اصلاً معنا ندارد.